نقش شهید قاسم سلیمانی درجابه جایی ژئوپلتیکی وژئواستراتژی قدرت وامنیت در منطقه وجهان

نویسنده مسئول: فاطمه کوچکی نژاد ارم ساداتی

گروه جغرافیاوبرنامه ریزی شهری،واحدکرمانشاه،دانشگاه آزاد اسلامی،کرمانشاه،ایران

علیار رحمانی پور

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم وتحقیقات تهران

چکیده:

محیط پیرامون کشورها پیوسته با تهدید و جنگ عجین است و دولتها برای مقابله از آن ناگزیر از داشتن برنامه منسجم دفاعی هستند. تنازع ریشه دار میان ایران وامریکا ازیکسوبه ویژه بعد ازحوادث 11 سپتامبربراساس مبارزه برای افزایش نقش، موجب تقویت برداشتهای تهدیدبه صورت متقابل ازجانب دوکشور شد. ازسوی دیگرحمله به کشورافغانستان(2001)، حمله به عراق(2003) وبحران درسوریه(2011) سبب شدتا امریکادرصددجابه جایی قدرت درغرب آسیا به نفع خودبرآید. هدف پژوهش حاضرشناسایی شیوه های تولید قدرت به کارگرفته شده ازسوی شهیدسلیمانی وراهکارهای اوبرای مهار امریکادرغرب آسیا است. سوالی که دراین رابطه مطرح می شود این است که شهید قاسم سلیمانی چگونه موفق گردید باراهبردها و تاکتیک های خودباعث تغییر معادله قدرت درغرب آسیا به نفع ایران شود؟ برای این منظور به شیوه توصیفی- تحلیلی وبا تکیه برمنابع کتابخانه ای استفاده شده است. یافته های پژوهش حاکی از شاخصه های مدیریت سیاسی-نظامی سردار سلیمانی اشاره کرده واقدامات او رادرچهار محور1- محور شبکه سازی قدرت2- محورپراکنده سازی قدرت3- محورجابه جایی قدرت 4- محور مدیریت بازی قدرت دسته بندی می کند.

واژگان کلیدی: شهید سلیمانی، جابه جایی قدرت، غرب آسیا، ایران

بیان مساله:

ازدیرباز دومکتب عمده درروابط بین الملل وعلوم سیاسی، تفکردانشمندان این علم رابه خودمشغول کرده است، یکی مکتب ایده آلیسم ودیگری مکتب رئالیسم است. ایده آلیست درصحنه جهانی معتقدبه رعایت اصول اخلاقی وموازین حقوق بین الملل وایجادوتقویت سازمان های بین المللی هستند( عامری، 1374: 184). این مکتب برای حفظ صلح درصحنه بین المللی برای کسب قدرت به برقراری نوعی« توازن قدرت » تاکیدکرده اند. درمقابل، مکتب رئالیستی جنگ راپدیده ذاتی ومعلول تلاش برای کسب قدرت ودرنتیجه امری طبیعی می داند. لذا معتقد است باروابط متقابل می توان اختلافات رامحدودوازجنگ تاحدودی جلوگیری به عمل آورد وصلحی نسبی در جهان برقرارکرد( عامری، 1374: 191). پس برای صلح همیشه بایدنوعی « توازن قوا » درصحنه بین المللی بوجودآورد. تعالیم وآموزه های اسلامی با اتخاذموضع میانه درموردسرشت وماهیت انسان، روابط اجتماعی راباجنگ وصلح همراه می داند(قوام، 1379: 72). ازنظر اسلام، سرشت انسانها ازجنگ نفرت دارند وبه صلح وثبات علاقه مندند. امادرغریزه، برتری طلبی وقدرت جویی، گاه این خواست عمیق فطری رازیرپا نهاده وروابط اجتماعی رابه تعارض وجدال می کشاند( بهزادی، 1386: 55). بنابراین جمهوری اسلامی ایران در میان کشورهای جنوب غرب آسیا، تنها کشوری است که از دوران انقلاب اسلامی و در زمان جنگ هشت ساله تحمیلی و جنگهای دوم و سوم در غرب آسیا با روحیه مقاومت و همبستگی، در برابر قدرتهای جهانی ایستادگی کرد. بي شک یکی از موانع بزرگ بر سر راه تحقق اهداف آمریکا در غرب آسیا، ایران بوده است. گفتمان مقاومت یا دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران نه آنگونه که رئالیست ها می اندیشند، جنگ اصل است و نه آن گونه که ایدئالیست ها باور دارند، صلح همیشگی است. از نظر گفتمان مقاومت ، پدیدۀ جنگ و صلح واقعیت عینی تاریخ بشر را تشکیل می دهند. در روابط خارجی نیز اصل بر صلح و همزیستی مسالمت آمیز قرار دارد. حال سوالی که در این رابطه مطرح می شود این است که ایران چگونه موفق گردیدباعث تغییر معادله قدرت درغرب آسیا به نفع خودشود؟

چارچوب نظری:

- توازن قدرت

واقع گرایی یا رئالیستی سعی داردخودرابا واقعیات جهان ومحیط وفق دهد(پازارگاد، 1344: 95). ازنظرواقع گرایان نظام بین الملل متشکل ازکشورهایی دارای حاکمیت، خودپرست ومنفعت طلب بامنافع متفاوت ومتعارضی که تلاش می کنندتاحدامکان آن منافع راافزایش دهند. بیشتر نظریه پردازان آن معتقدندکه بدون موازنه قدرت نمی توان به اهداف راهبردی دست یافت( مصلی نژاد، 1390: 33). توازن قدرت منطقه ای در روابط کشورها به الگویی ازروابط میان کشورهااطلاق می گرددکه درآن هیچ یک ازبازیگران به اندازه کافی قدرت نداردکه به تنهایی بتوانددیگربازیگران راکنترل کند( مشیرزاده، 1384: 101). بر اساس نظریه واقع گرایی کشورهایی که مخاطرات امنیتی دارند ودر محیط های تهدید آمیزژئوپولتیکی به سر می برند بیش از سایر بازیگران نیازمند توازن قدرت هستند. ایران ازجمله کشورهایی است که طی چهل سال گذشته و به طور خاص در دو دهه اخیر در معرض تهدیدات امنیتی قرار داشته است. ایران از یکسو با تهدیدات فرامنطقه ای مواجه بوده و از سوی دیگر برهم خوردن موازنه قدرت نظامی از سوی کشورهای منطقه - با خرید و گسترش تسلیحات جدید- را شاهد بوده است.

- توازن قوا

رهیافت ایده آلیستی به انسان به عنوان موجودی که دارای ماهیت نیک است، توجه دارد وبه روابط بین الملل خوش بین است وجنگ وبی ثباتی رادر نظام بین المللی ناشی ازساختاربدنظام بین المللی می داند. رهیافت ایده آلیستی تحت تاثیرآرا واندیشه دانشمندانی مانند اراسموس، ویلیام پن، روسو، گروسیوس وکانت می باشد( ستوده: 1382: 201). نظریه پردازانی چون جی .ا. هابسن براین عقیده بودندکه امپریالیسم به بندکشیدن مردم خارجی ومتابعشان علت اولیه مناقشات وتعارضات سیاست بین الملل تلقی می شود. دراغلب موارد ایده آلیسم سعی داردبامقایسه کردن نظام داخلی وجامعه بین المللی، اصول حاکم برمحیط داخلی رابه سطح بین المللی تسری دهد( قوام، 1381: 349). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به لحاظ ساختارهای جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی خاص ونیز به خاطروجودوگرایش های آرمانی ونوع نگرش سیاستمداران وتصمیم گیرندگان به نظام بین الملل دربین کشورهای مختلف جهان، حالتی ویژه وشخصیت محوردارد. درعین حال نظریه های روابط بین اللمل باقابلیت تبیین، توضیح وپیش بینی می تواند درتبیین وتوصیف پدیده های بین اللمل درسیاست خارجی دولت هاازجمله ایران، نه به طور کامل، بلکه تاحدقابل توجهی به کارآیند( ازغندی، 1391: 67).

درمجموع می توان گفت میزان تعادل وتوازن بین ابعاد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اهمیت به سزایی دارد. منطق رهبران ودولت مردان جمهوری اسلامی ایران مستلزم آرمان گرایی وواقع گرایی درجمهوری اسلامی ایران است. مهمترین شاخص تعادل درمیزان آرمان گرایی وواقع گرایی درنظریه وعمل است. بطوریکه رهبرمعظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای( مدظله عالی) ایشان به صراحت آرمان گرایی توام باواقع بینی راشرط عبورموفق ازگردنه های سخت، حرکت مجاهدانه مسئولانه دولتمردان ومردم غیورایران درمسیرحرکت به جلو نظام اسلامی راترکیب آرمان گرایی و واقع بین ونگاه صحیح به توانایی وظرفیت های کشور وملت می داند. ازسوی دیگر فقه شیعه دارای پتانسیل بالایی برای ایجاد ارتباط بین آرمانها و واقعیتهامی باشد.

راهبرد شهید سلیمانی برای جابه جایی قدرت وامنیت به نفع ایران

یکی از عوامل کارآمدی که می تواند در ارایه مدل مطلوب، در تقابل با چالش های امنیتی، ما را یاری نماید، ضرورت توجه به ساختار و روند تصمیم گیری در حوزه دیپلماسی دفاعی– امنیتی جمهوری اسلامی ایران است. شکل گیری الگوی قدرت منطقه ای حاصل تفکرات واندیشه های راهبردی شهید سلیمانی درحوزه سیاسی- امنیتی دانست. نقش سربازان و فرمانده هانی چون سردار سلیمانی که در برابر دشمنان منطقه ای و فرامنطقه ای ایستادگی کردند و معادلات منطقه ای و جهانی را تغییر دادند، بسیار برجسته است. قدرت منطقه ای وفرامنطقه ای ایران با نقش برجسته شهید سلیمانی دربرابرتوطئه های امریکادر غرب آسیا را می توان براساس چهار محور ذکر نمود: محور شبکه سازی قدرت، محور پراکنده سازی قدرت، محورمدیریت بازی قدرت ومحور جابه جایی (تغییر) معادله قدرت ( باقری دولت آبادی، : 5). در ادامه به بحث پیرامون این چهار محور پرداخته می شود.

محور شبکه سازی قدرت:

نوام چامسکی در کتاب « دخالتها » معتقد است که کنترل ایران بر هلال شیعی وحشتناکترین کابوس برای آمریکاست؛ تحولات دو دهه اخیر منطقه که متأثر از حضور و نفوذ مستقیم شهید سلیمانی بود، این کابوس را در بدترین شکل خود برای آمریکا پدید آورد؛ ماحصل این کابوس یعنی تغییر توازن قدرت منطقه ای به نفع ایران، مهمترین ره آورد استراتژی شهید سلیمانی بود. در واقع شبکه سازی که دررشته های مدیریت واقتصاد کاربرد دارد در عالم سیاست به نوعی ارتباطات بین گروه ها وملت ها بایکدیگر است اما آنچه در این نظریه مغفول مانده است تلاش دولت ها برای شکل دادن شبکه های قدرت با همکاری گروه ها ونهادهای غیر دولتی است. الگویی که توسط شهید سلیمانی طراحی واجرا شد، دقیقا همین فرمول بود. شبکه های قدرت سوئیچینگ( اتصال دهنده) به همدیگر متصل می گردند. شهید سلیمانی توانست به عنوان یک متصل کننده یک شبکه ضدقدرت علیه امریکا درمنطقه ایجاد نماید. این شبکه های ضد قدرت عبارتند از: حشد الشعبی عراق( بسیج مردمی عراق)، انصارالله یمن، جنبش حزب الله لبنان، لشکرحیدریون، لشکرزینبیون ولشکر فاطمیون. ویکی از اصلیترین اولویتهای جمهوری اسلامی از ابتدای شکل گیری انقلاب اسلامی ، افزایش عمق راهبردی بوده است. عمق راهبردی به گستره نفوذ یک کشور در محیط جغرافیایی منطقه ای و فرامنطقه ای خود گفته می شود؛ به گونه ای که بتواند ضریب امنیت وقدرت خود را افزایش دهد. طی یک دهه گذشته جمهوری اسلامی ایران با توجه به افزایش اقدامات تهاجمی استکبار جهانی در منطقه امنیتی ایران ، عمق راهبردیش عیان تر شده و زمینه ای برای ا ستحکام نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه غرب آ سیا شد. در این راستا سردار شهید سلیمانی با راههای عمق بخشی راهبردی در بعد خارجی، حمایت از گروههای مردمی همسو توانست در راستای مخالفت با قدرتهای بزرگ به ویژه با دول متخاصم با انقلاب اسلامی ایران گام بردارد.

محور پراکنده سازی قدرت

سیال وپراکنده بودن قدرت براساس اندیشه پست مدرن ها شکل گرفته است. آنها معتقدند که قدرت درساسر جامعه پراکنده ومنتشر است. قدرت نه یک نهاد ونه یک ساختار بلکه وضعیت راهبردی پیچیده وکثرت روابط میان نیروها است( میرزایی، بهرام سلطانی وقاسم زاده، 1391: 16). یکی از شاخصه های مهم نظامی-امنیتی سردار سلیمانی حضور موثر و هماهنگی و ایجاد وحدت در منطقه میان نیروهای محور مقاومت است. او قدرت را از صرف حوزه نظامی برای ایران خارج ساخت و آن را در ساحت اجتماع و در میان کوچه و بازارهای عراق، لبنان، سوریه، فلسطین و یمن جستجو کرد. در این میان، شکل گیری بسیج مردمی درمیانه نگرانیهای امنیتی عراق و سوریه در آن دوران، مهر تأییدی بر پایه های مشروعیت آنها بود. مشروعیت، حفظ مناطق سرزمینی و بقای ساختاری سیاسی حاکم بر عراق و سوریه، از جمله نیات کوتاه مدت سردار سلیمانی بود. اما او در ابعاد کلان تر و در بُعد نیات بلندمدت، به حفظ امنیت ایران، جهان اسلام و عالم بشریت فکر می کرد. ضمن اینکه به دنبال قدرتمند ساختن نیروهای بسیج مردمی عراق و سوریه برای قوام بخشیدن به بدنۀ محورهای مقاومت نیز بود. در تفکر شهید سلیمانی ملت های منطقه اگرچه ممکن است در ظاهر رفاه یا شرایط اولیه یک زندگی آسان را داشته باشند اما درواقع تبدیل به سوژه هایی منقاد برای حاکمان و ابرقدرت هایی همچون آمریکا شده اند تا منافع خود را پی گیرند. او به آنها »کنش سیاسی مبتنی برامکان و انتخاب« را آموخت و اینکه چگونه می توانند بر «آزادی های نهفته» پافشاری نمایند و با قدرت «سرکشی اراده» بازی آزاد «واکنش های متخاصم» را شکل دهند. این اقدامات موجب گردید تا شناسایی هسته قدرت ایران در منطقه برای آمریکا دشوار گردد. آنها نمودهای بیرونی و ملموس قدرت ایران را مشاهده می کردند اما نمی دانستند چگونه ایجاد گشته و بازتولید می شود. به عبارت دیگر شهید سلیمانی قدرت را از شکل متمرکز و نظامی آن خارج و به اشکال گوناگون پراکنده و سیال ساخت. قدرتی که آمریکا نتوانست آن را محصور و محدود سازد و در عوض در سرتاسر منطقه اسیر آن گشت. این شکل از قدرت دربرابر پایگاه های نظامی، تجهیزات و ادوات و نیروهای متمرکز آمریکا که اهدافی آسان برای ضربه زدن بودند قابل رصد و آسیب نبودند( باقری دولت آبادی، 13: 9).

محورجابه جایی( تغییر ) معادله قدرت:

برای مقابله با نفوذ آمریکا و اسرائیل در مسائل منطقه ای، ایران دارای تشکیلات و سازمانی پویا شد که سعی می کند به دولتهایی کمک کند که درگیر مشکلات ناشی از تروریسم اسرائیل و داعش هستند. بنابراین هر سازمان و ساختاری کار خودش را انجام می دهد و با گذشت زمان توانا می شود(امیری، 1397: 33). در رأس چنین سازمان و ساختاری، فردی مانند سردار قاسم سلیمانی قرار می گیرد که توانایی بیشتر به دست آورد. نفوذ منطقه ای ایران بیشتر فرهنگی، مذهبی، تاریخی و ژئوپلیتیکی است. مسائل مربوط به جریان مقاومت نیز به همان صورت گذشته برقرار است. شهید سلیمانی به اذعان رسانه های خارجی یک «دیپلمات- نظامی» پرنفوذ در منطقه غرب آسیا بود. وی نقش بسیاری در مقابله با تروریست های تکفیری داعش داشت و با کمک مستشاری خود کمک بزرگی به عراق برای جلوگیری از سقوط شهرهای بیشتر کرد. فرمانده سپاه قدس در سراسر عراق ستایش شد. با توجه به اهمیت سوریه برای ایران، دلایل حضور پررنگ جمهوری اسلامی در بحران سوریه نیز روشن است. هرچند آمریکا و متحدان اروپایی و منطقه ای آن از جمله ترکیه، عربستان و قطر حاضر نبودند نقش ایران در این بحران را بپذیرند. ایران، توانست هم در فضای دیپلماتیک برخی کشورها مانند روسیه و چین را وارد بحران سوریه کند و هم برای جلوگیری از حاکمیت تروریست ها در کل سوریه وارد مبارزه عملی با تروریستها شود. خارج از میدان دیپلماسی، سوریه به شدت نیاز به کمک در حوزه های مختلف به ویژه در حوزه دفاعی داشت. آمریکا و متحدانش با مسلح کردن معترضان و حمایت از گروههای تروریستی مانند جبهه النصره و داعش، دولت سوریه را به شدت تحت فشار قرار داده بودند. درک اهمیت این منطقه از سوی قدرتها و دیگر کشورهای جهان و به تبع آن علاقه مندی آنها به برقراری روابط و بهره مندی هرچه بیشتر از مزایا و پتانسیل های مختلف منطقه، باعث تلاش کشورهای منطقه برای کسب هرچه بیشتر قدرت در سطوح مختلف شده است. این امر خود بر پیچیدگی ووخامت این رقابتها می افزاید. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از بازیگران کلیدی در پهنه جغرافیای سیاسی غرب آسیا، به واسطه وجود نیروها و عوامل مثبت ژئوپلیتیکی خود، از جمله ورود به صحنه تحولات منطقه ای، توانسته نقش به سزایی در ایجاد نظم منطقه ای ایفا کند. سردار سلیمانی فرماندۀ نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، یکی از مؤلفه های اصلی دکترین سیاست خارجی ایران در منطقه بود که سعی در تبیین جایگاه ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا را داشت. او برای (جابه جایی)تغییر معادله قدرت به نفع ایران در منطقه ابتکارهای سیاسی ذیل را به کار گرفت:

1- تربیت نسل مکتبی و جهادی در منطقه مطابق با آرمان های انقلاب و امام خمینی(ره)؛

2- هدایت سیاسی و معنوی گروه های مقاومت نسبت به طرح و نقشه های آمریکا؛

3 - گفتمان سازی مقاومت در بین گروه های سیاسی در منطقه؛

4- متصل سازی جریان مقاومت به یکدیگر از لبنان و فلسطین گرفته تا یمن و سوریه؛

5- کسب پشتیبانی سیاسی از جریان مقاومت با دیدار با مقامات و سران کشورهای منطقه از جمله روسیه؛

6- اعطای قدرت عمل در تصمیم گیری و چانه زنی سیاسی به گروههای مقاومت؛

7- تقویت روحیه خودباوری و توکل بر خداوند در تصمیم گیری ها در گروههای مقاومت؛

از آنجاکه توطئه های آمریکا در بعد سیاسی خلاصه نگردیده بود و فاز نظامی را نیز به دنبال داشت شهید سلیمانی در بعد نظامی نیز اقدامات زیر را دنبال کرد:

1- کادرسازی و تربیت فرماندهان نظامی در محور مقاومت برای مدیریت میدانی عملیات ها؛

2- انتقال تجربیات هشت سال دفاع مقدس در جنگ های نامنظم و چریکی به محور مقاومت؛

3 -انتقال دانش تولید ساخت راکت، موشک و ادوات نظامی به محور مقاومت برای خودکفایی و خوداتکایی آنها در آینده؛ 4- -تقویت روحیه شهادت طلبی و ایثار در راه رسیدن به آرمان ها؛

5- تشویق خلاقیت ها و ابتکارات نظامی گروههای مقاومت بر حسب شرایط میدانی عملیات ها( بالن های آتش زا، تونل های زیرزمینی و...(( باقری دولت آبادی، 13: 13-12).

محور مدیریت بازی قدرت

درحالیکه تصور مقامات آمریکا این بود که با وقوع بهار عربی به راحتی این امکان را در اختیار دارند که دست به تغییر مهره های سیاسی در شطرنج غرب آسیا زنند مدیریت بازی قدرت از سوی شهید سلیمانی نشان داد که آمریکایی ها شناخت کافی از تاریخ و جغرافیای سیاسی غرب آسیا ندارند. درحقیقت همانگونه شهید سلیمانی به درستی اظهار می داشت مرد این میدان آمریکایی ها نبودند « مرد این میدان ما هستیم برای شما. شما می دانید این جنگ یعنی نابودی همه امکانات شما، این جنگ را شما شروع می کنید اما پایانش را ما ترسیم می کنیم» (سلیمانی،4/5/1397). درست بر عکس امریکا و متحدان منطقه ای که همه چیز را به امور مادی خلاصه کرده و خود را قادر مطلق می انگاشتند شهید سلیمانی بر توکل بر خدا توکل داشت و او را رقم زننده سرنوشت و تقدیر می دانست. در طراحی محور مدیریت بازی قدرت او می توان به مواردی نظیر: شناخت صحيح جغرافيا و مكان عمليات، شناخت صحيح پتانسيل های فرهنگی و سياسی عراق، سوریه، یمن و افغانستان، بهره گيری صحيح از نيروهای مردمی، بهره گيری از ظرفيت و توان رهبران سياسی، مذهبی، قومی و طایفه ای، توجه به عامل زمان و مكان در هدایت و فرماندهی نيروها، ارتباط مناسب با بدنه و كادر دیپلماتيک كشور، تمركز بر پاشنه آشيل و نقطه ثقل قدرت دشمن ،محبوبيت و افزایش نفوذ جریان مقاومت در منطقه اشاره نمود(باقری دولت آبادی، 13: 24-13). که به شرح برخی موارد پرداخته می شود ازجمله: در سال 2011 و از آغاز درگیریهای نظامی نیروهای داعش با نظام سیاسی حاکم بر سوریه، با هماهنگی و مساعدت مسئولان نیروی قدس، کارشناسانی از نیروی انتظامی به توجیه و آموزش نیروهای نظامی سوریه در برخورد با نیروهای تکفیری پرداختند. علاوه براین، بسیاری از این مبارزان مردمی در مراکز نظامی در سوریه توسط سپاه قدس و نیروهای حزب الله لبنان، سازمانی که سردار سلیمانی طی سالیان متمادی به آن کمک کرده بود، آموزش دیدند. طبق گفته دکستر فیلکینز با یک مقام امنیتی در خاورمیانه، سردار سلیمانی و حزب الله لبنان رهبری راهبردی و هدایت هزاران نفر از نیروهای مردمی شیعه عراق، سوریه، لبنان و حتی افغانستان را در سراسر دو کشور سوریه وعراق پخش کردند( Filkins,2013: 4 ). هدایت معقولانه نیروها و طراحی و مشاوره عملیات بی نظیر به گونه ای بود که باعث بازپس گیری قصیر در ماه مه 2۰13 از نیروهای داعش و جبهه النصره گردید. در عراق نیز سردار سلیمانی شرایط را برای شکل گیری، قوام و انسجام یافتن نیروهای حشدالشعبی فراهم نمود. این را می توان از ارتباط دوستانه با «ابومهدی مهندس» معاون بسیج مردمی عراق و فرمانده میدانی این نیرو، فهمید. همان کسی که خالصانه خود را سرباز سردار سلیمانی می دانست. هوش بالا، نفوذ و سخت کوشی سردار سلیمانی چنان بود که به اذعان چندین منبع، از جمله «ریاض حجاب»، نخست وزیر سابق سوریه که در آگوست 2012خلع شد، سلیمانی به قویترین، مورد اعتمادترین و با نفوذترین حامی دولت در جنگ داخلی سوریه مبدل شد. (Abbas,2013) مطابق متن صادر شده از علی عبدالله ایوب وزیر دفاع سوریه، « سلیمانی از سال 2011 در برنامه ریزی و اجرای محاصره باباعمرو، در حصر حمص و بسیاری از نقاط دیگر مشارکت داشت»(The Times,2020) در نیمه سال 2012، هنگامی که نیروهای دفاع ملی زمزمه شکل گیری به خود می گیرند، سلیمانی فرماندهی نظامی سپاه ایران و حتی نیروهای رسمی در جنگ داخلی سوریه را به عهده گرفت. آن زمان ایران و متحدان اندک بشار اسد و شخص اسد، به شدت نگران ناتوانی در نبرد با مخالفان و عواقب منفی آن برای جمهوری اسلامی در صورت سقوط دولت سوریه بودند. از همین رو، سلیمانی از پایگاهی در دمشق جلسات خود برای تشکیل بسیج نیروهای دفاع ملی را با مشاوران ایرانی، سوری، عراقی و فرمانده هان حزب الله لبنان تشکیل می داد.

توجه به عامل زمان و مكان در هدایت و فرماندهی نيروها یکی از نقاط قوت مدیریت بازی قدرت توسط شهید سلیمانی «صبر راهبردی» او بود. او به جای آنکه نبرد با داعش را در سراسر خاک سوریه دنبال نماید آن را از دو منطقه کلیدی شروع کرد: نخست از حومه دمشق برای محافظت از حرم حضرت زینب (س) و حفظ ساختار سیاسی قدرت و دیگری از مرزهای لبنان برای حفظ ارتباط با جریان مقاومت در لبنان و فلسطین. با گذر زمان دامنه میدان مبارزه به سایر بخش های سوریه گسترش پیدا کرد. آنچه در اینجا به عنوان زمان و مکان حائز اهمیت است توجیه و اقناع سازی بشار اسد برای سازش با کردها و عدم جنگ با آنها در سال های آغازین بحران داخلی بود. لذا درحالیکه در بخش های شمالی سوریه کردها به امید کسب استقلال درحال جنگ با داعش در استان های قامشلی، حسکه و رقه بودند (باقری دولت آبادی و رحیمی دهگلان، 1394 :123-150 ) نیروهای مقاومت در دمشق، حمص و سویدا درحال پیشروی بودند و بتدریج نبرد به استان های حلب، حما و دیرالزور کشیده شد. به این ترتیب عالوه بر اینکه در صفوف داعش که از دو منطقه مرزهای اردن و مرزهای ترکیه وارد خاک سوریه می شدند شکاف افتاد و ارتباط آنها قطع شد؛ توان نیروی مقاومت برای مبارزه متمرکز با داعش حفظ شد.

نتیجه گیری:

با توجه به روش های شهید سلیمانی به تأسی از پیامبر اسلام (ص)در رسالت انسانی- الهی و گسترش پیام سلطه ستیزی در میان ملتها، قبایل و گروههای انسانی مختلف، می توان ادعا کرد که این نوع گفتمان در اسلام از سابقه طولانی برخوردار است. برطبق یافته های پژوهش، مهمترین اقدامات شهید سلیمانی در مقابله با سیاستهای استکباری در منطقه را می توان در چهار محور خلاصه نمود: 1- محور شبکه سازی قدرت2- محور پراکنده سازی قدرت3- محور جابه جایی قدرت و4- محور مدیریت بازی قدرت. درمحور اول با تشکیل لشکرهای زینبیون، حیدریون وفاطمیون به حمایت از گروههای مردمی همسو در راستای مخالفت با قدرتهای بزرگ به ویژه با دول متخاصم با انقلاب اسلامی ایران پرداخت . در واقع، شهید سلیمانی از نیروهای متفرق اسلامی جبهه مقاومت ساخت و با جمع کردن سرمایه های کوچک، قدرت و سرمایه بزرگی ساخت که امروز میتواند مسیر قدرت اسلام را تضمین کند. در محوردوم، هماهنگی میان هویت های قومی و تشکیل جبهه مشترکی از آنها علیه آمریکا و رژیم صهیونیستی، دیپلماسی ویژه ای م یخواهد. باوجود این تنوع قومی، شهید سلیمانی یکی از اصلی ترین سیاسی و امنیتی غرب آسیا بود که مانع از تجزیه برخی کشورهای مهم منطقه از جمله سوریه، عراق، لبنان، افغانستان و... شد وقدرت ازشکل سخت به بعد نرم تسری پیدا نمود. درمحورسوم نیزبا یک برنامه ریزی صحیح معادله ای جدید را در منطقه رقم زده است. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از بازیگران کلیدی در پهنه جغرافیای سیاسی غرب آسیا، به واسطه وجود نیروها و عوامل مثبت ژئوپلیتیکی خود، از جمله ورود به صحنه تحولات منطقه ای، توانسته نقش به سزایی در ایجاد نظم منطقه ای ایفا کند. سردار سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، یکی از مؤلفه های اصلی دکترین سیاست خارجی ایران در منطقه بود که سعی در تبیین جایگاه ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا را داشت. درمحور چهارم، شهید سلیمانی بازی قدرت و طراحی آن را از دست مقامات آمریکایی خارج کرد و همه تحولات غرب آسیا را به تصمیم گیری ها و اراده تهران گره زد؛ به نحوی که اکنون غرب پذیرفته است بدون مشارکت ایران هیچ موضوعی در غرب آسیا به سرانجام مطلوب نخواهد رسید.

منابع

- ازغندی، علیرضا( 1391) چهارچوب هاوجهت گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات قومس.

- امیری، سروش( 1397) بررسی انقلاب های کشورهای اسلامی باتاکیدبرانقلاب اسلامی وانقلاب های عربی، فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی شماره 25صص 28-7.

- باقری دولت آبادی، علی( 1399) نقش شهید سلیمانی درطراحی هندسه قدرت ایران وبرهم زدن محاسبات امریکا درغرب آسیا(202-2001) دومین همایش بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی: مکتب شهیدسلیمانی؛ الگو، تربیت مدیران جهادی تمدن ساز، تهران.

- باقری دولت آبادی، علی ورحیمی دهگلان، سیروان( 1394) بحران سوریه: بررسی انگیزه ها، مواضع وآینده کردها، مجله سیاست خارجی، دوره 29شماره 1 صص 150-133.

- بهزادی، حمید(1386) اصول روابط بین الملل وسیاست خارجی، تهران: انتشارات دهخدا.

- قوام، عبدالعلی( 1379) اصول سیاست خارجی وسیاست بین الملل، تهران: انتشارات سمت.

- پاژارگاد، بهاء الدین( 1344) مکتب های سیاسی، تهران: انتشارات اقبال.

- ستوده، علی اصغر وخزائی، جعفر(1395) محورمقاومت درمقابل محورسازش؛ ماهیت فرقه گرایی جدیدعربستان سعودی علیه جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه حبل المتین شماره 15.

- سلیمانی، قاسم( 1397) ««سردار شهید: ترامپ بیا، مامنتظرهستیم»، آپارات قابل دسترس درhttps://www.aparat.com/v/pnSRt

- قوام، عبدالعلی(1381) اصول سیاست خارجی وسیاست بین الملل، تهران: انتشارات سمت.

- عامری، هوشنگ( 1374) اصول روابط بین الملل، تهران: انتشارات آگاه.

- مشیرزاده، حمیرا( 1384) تحول درنظریه هاوروابط بین الملل، تهران: انتشارات سمت.

- مصلی نژاد، عباس( 1390) تحلیل سیاستموازنه قدرت دررهیافت رئالیستی ونئورئالیستی، مجله پژوهش های روابط بین الملل، دوره نخست، شماره 1 صص 158-131.

- میرزایی، حسین؛ بهرام سلطانی، سعیدو قاسم زاده، داوود(1391) عاملیت وساختاردراندیشه میشل فوکومطالعات جامعه شناسی سال5 شماره 17.صص 69-55.

- Abbas, Mushreq (2013). Iran's Man in Iraq and Syria, Al Monitor, Archived from the original on 14 March 2013.

- Filkins, Dexter (30 September 2013). "The Shadow Commander". The New Yorker. Archived from the original on 28 June 2014. Retrieved 6 February 2014.

- The Times (2020). Syrian general thanks Iran for helping Assad in key battle, The Times. 20 January 2020.